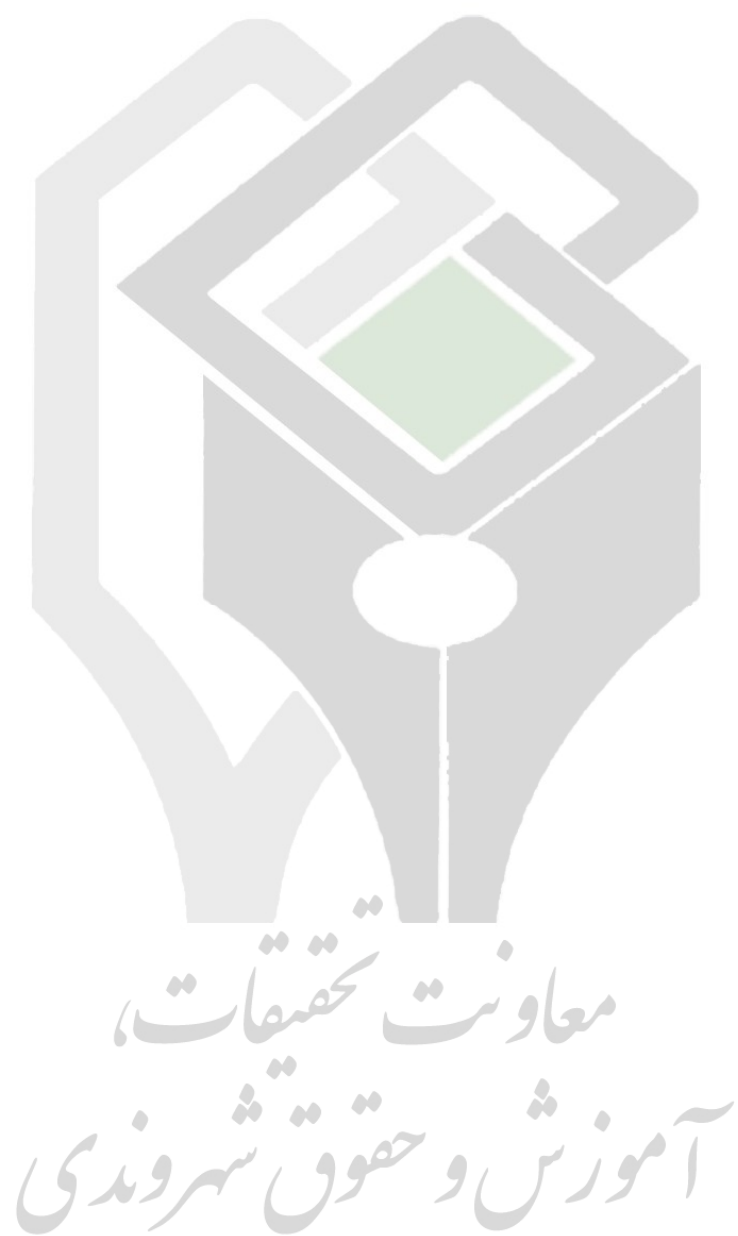


نقد و بررسی
طرح‌ها و لوایح

معاونت تحقیقات،
آموزش و حقوق شهروندی



نقد و بررسی پیش نویس لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان

عاطفه عباسی کلیمانی*

چکیده

کودکی دوران پایه گذاری شخصیت انسان است و عدم توانایی جسمانی و عقلانی کودک، حمایت‌های خاص قانونگذار از این گروه از جامعه را در سه سطح اطفال بزهکار، بزه‌دیده و در معرض خطر ایجاب می‌کند. در سال ۱۳۸۱ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در راستای حمایت از کودکان بزه‌دیده به تصویب رسید. همچنین در سال ۱۳۸۳ لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان تدوین گردید که به دلایلی تاکنون به تصویب نرسیده است و مجدداً در سال ۱۳۸۷ در دستور کار مجلس قرار گرفت. با عنایت به این که نظام قانونی ایران نسبت به حمایت از اطفال با خلا قانونی محسوسی روبروست و رفع این مشکل به تدوین متنی جامع در برگیرنده تمامی اطفال اعم از بزه‌دیده، بزهکار و در معرض خطر نیاز دارد و هم‌اینک پیش نویس لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان در مرحله تدوین است لذا بررسی مندرجات این پیش نویس ضروری به نظر می‌رسد.

مقدمه

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ با نوآوری، کلیه اشخاص زیر هجده سال تمام هجری شمسی را از حمایت‌های مذکور در این قانون، بهره‌مند ساخته و مطابق ماده ۵ کودک‌آزاری را در زمره جرائم عمومی لحاظ نمود. لیکن در تعیین جرایم مشمول این قانون به بیانی کلی از این جرایم بسنده کرد. بر این اساس هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان را که موجب ورود صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی به آنان شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد، ممنوع کرده است. اگر این امر منجر به صدمه و

* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی پردیس قم دانشگاه تهران و عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)

اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان گردد، فرد مرتکب، به سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس یا تا ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد و در صورتی که متهمی به خرید، فروش، بهره‌کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق گردد، حسب مورد مرتکب، علاوه بر جبران خسارات وارده به شش ماه تا یک سال زندان یا به جزای نقدی از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) تا بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد. البته در صورتی که هر یک از این جرایم دارای مجازات حدی یا کیفر سنگین‌تری در سایر قوانین باشد، مرتکب به آن مجازات محکوم خواهد شد.

هرچند با مستثنی نمودن ماده (۵۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۹/۷ و ماده (۱۱۷۹) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۹ از شمول این قانون، باز هم برای ارتکاب جرایم علیه اطفال در قالب اقدامات تربیتی توسط والدین راه باز است. یکی از نوآوری‌های این قانون ایجاد تکلیف قانونی برای کلیه افراد، مؤسسات و مراکزی است که به نحوی مسئولیت نگهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند تا به محض مشاهده موارد کودک‌آزاری، مراتب را جهت پیگرد قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیم مقتضی به مقامات صالح قضائی اعلام نمایند و تخلف از این تکلیف موجب حبس تا شش ماه یا جزای نقدی تا پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال خواهد بود.

عدم پیش‌بینی نهادی خاص برای اجرای قانون، عدم اتخاذ تدابیر حمایتی لازم برای حمایت از افراد مشمول قانون، صرف جرم‌انگاری جرایم علیه اطفال و عدم التفات به بحث پیشگیری از بزه‌دیدگی و کاهش آثار بزهکاری علیه طفل از ایرادات وارد بر این قانون است. حال آنکه در راستای حمایت از کودک، کنوانسیون حقوق کودک^۱ که شامل تمامی افراد زیر ۱۸ سال است، برخی از حقوق کودکان از جمله تضمین حمایت از کودک در مقابل تمام اشکال تبعیض، حق ذاتی هر کودک برای زندگی، ثبت تولد کودک بلافاصله پس از به دنیا آمدن و بهره‌مندی از حقوقی مانند حق داشتن نام، کسب تابعیت و در صورت امکان، شناسایی والدین و قرار گرفتن تحت سرپرستی آنها، حق آزادی فکر، عقیده و مذهب، آزادی ابراز عقیده شامل آزادی جستجو، دریافت و رساندن اطلاعات و عقاید از هر نوع، بدون توجه به مرزها، کتبی یا شفاهی یا چاپ شده، به شکل آثار هنری یا از طریق هر رسانه

۱ شایان ذکر است کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ میلادی به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید و جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۲ به آن پیوست.

دیگر به انتخاب کودک، حق آزادی اجتماعات، تجمع مسالمت آمیز و حق کودک برای تفریح و آرامش و بازی و فعالیتهای خلاق مناسب سن خود و شرکت آزادانه در فعالیت های فرهنگی و هنرها و... را شناسایی نموده است.

همچنین ماده ۸ پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک درخصوص فروش، فحشاء و هرزه‌نگاری کودکان مصوب سال ۲۰۰۰ میلادی که ایران نیز در سال ۱۳۸۳ به آن پیوسته است، علاوه بر جرم انگاری اعمال فوق، کشورهای عضو را به منظور حمایت از حقوق و منافع کودکان قربانی اعمال ممنوع شده به موجب این پروتکل، مکلف به اتخاذ تدابیری در تمامی مراحل رسیدگی کیفری کرده است. از جمله اقدامات مقتضی می توان به آگاه نمودن کودکان قربانی از حقوقشان، زمان بندی و پیشرفت مراحل رسیدگی و وضعیت موارد تحت بررسی آنها، به رسمیت شناختن آسیب پذیری کودکان قربانی و تصویب تشریفاتی به منظور شناسائی نیازهای خاص ایشان، فراهم نمودن زمینه ارائه و مورد توجه قرار گرفتن دیدگاهها، نیازها و نگرانی های کودکان قربانی در روند رسیدگی در چهارچوبی منطبق با آئین دادرسی قانون ملی، فراهم نمودن خدمات حمایتی مقتضی برای کودکان قربانی در تمامی مراحل رسیدگی حقوقی، در صورت اقتضا حمایت از امور خصوصی و هویت کودکان قربانی و اتخاذ اقداماتی طبق قوانین ملی جهت اجتناب از انتشار نابجای اطلاعاتی که می تواند موجب شناسائی کودکان قربانی شود و در صورت اقتضا تأمین امنیت برای کودکان قربانی و همچنین خانواده ها و شهود ایشان در برابر ارباب و انتقام گیری، اجتناب از تأخیر غیرضروری در بررسی موارد و اجرای احکام و آراء مربوط به پرداخت غرامت به کودکان قربانی و... اشاره نمود.

با توجه به انتقادات وارد بر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و عدم لحاظ موارد گفته شده در آن، پیش نویس لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان که از این پس به اختصار پیش نویس خوانده می شود، طی چهار فصل تنظیم گردید. در فصل اول کلیات و مضمولین و مرتکبین جرایم مقرر در این قانون، در فصل دوم تشکیلات حمایتی و اداری لازم برای اجرای این قانون به همراه وظایف پیش بینی شده جدید برای برخی سازمانها و وزارتخانه ها، در فصل سوم تحقیق، رسیدگی و تدابیر حمایتی و در نهایت در فصل چهارم جرایم و مجازاتها آمده است. در این نوشتار نیز طی چهار بخش به بررسی این پیش نویس پرداخته خواهد شد.

الف) کلیات

۱. یکی از نکات مثبت قانون حمایت از اطفال و نوجوانان که در این پیش نویس نیز تکرار گردیده، اعطای حمایت به کلیه افراد زیر ۱۸ سال است. همانطور که در ادامه اشاره می گردد حمایت‌های این قانون شامل اطفال بزهکار نیز می گردد.
 ۲. تعریف برخی اصطلاحات از جمله بی‌توجهی و سهل انگاری نسبت به کودکان و نوجوانان، سوء رفتار، بهره کشی، خرید و فروش طفل، موضوعات و مضامین هرزه، هرزه‌نگاری، خطر شدید و قریب الوقوع، کودک و نوجوان در معرض خطر^۲ و بزه‌دیده، واحد حمایت و وضعیت مخاطره آمیز در ماده ۲ پیش نویس آمده است.
 ۳. مرتکبین جرایم مندرج در این پیش نویس در صورت دارا بودن سمت قیمومت، وصایت و سرپرستی طفل به اشد مجازات محکوم خواهند شد.
 ۴. از جمله نکات قابل تأمل در این متن تأکید بر دولتی بودن واحدهای حمایت است که با توجه به رویه حاضر مبنی بر مشارکت مردم در اداره امور مناسب است ضمن تعیین یک متولی دولتی برای اداره امور مربوط، بستر مناسبی برای فعالیتهای غیردولتی و سازمانهای مردمی حمایت از کودکان در این زمینه فراهم آید.
 ۵. وضعیت مخاطره آمیز در قالب ۱۲ بند در ماده ۳ تبیین شده است. این اعمال مخاطره‌آمیز در دو قالب دسته بندی می گردد: اول اعمال والدین یا سرپرستان قانونی طفل که وضعیت مخاطره‌آمیزی را برای طفل فراهم می آورد و دوم اعمال خود طفل که وی را در چنین وضعیتی قرار می دهد.
- این وضعیت مخاطره آمیز شامل حقوق مادی و معنوی طفل می گردد، لذا نقض حقوقی چون حق هویت (حق نامگذاری، تابعیت و نسب)، حق آموزش و پرورش و تربیت، حق آزادی عقیده و اندیشه و حق تمامیت جسم و روان نیز توسط این قانون مورد حمایت قرار می گیرد.

معاونت تحقیقات

۲. شایان ذکر است پیش از این در قانون مدنی نیز به کودکان در معرض خطر اشاره گردیده است. به موجب ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی «طفل در معرض خطر» به طفلی گفته می شود که بر اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت او است، صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی او به خطر افتاده است. البته در این خصوص می توان به مواد ۶ و ۱۶ قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و واگیردار مصوب ۱۳۲۰ و ماده ۱۶ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹ نیز اشاره نمود که پیش از آنکه موقعیت طفل در برابر خطرهای ناشی از سهل انگاری و بدرفتاری والدین را تقویت کنند با هدف بازدارندگی عاملان نقض تکالیف مذکور مقرر شده‌اند.

۵-۱. اعمال والدین یا سرپرستان قانونی طفل شامل عدم توانایی یا بی توجهی نسبت به کودکان و نوجوانان از جانب والدین و سایر سرپرستان قانونی، محرومیت از تحصیل و فراهم نشدن امکانات آن، ابتلای هریک از والدین یا سرپرستان قانونی به اختلالات رفتاری و روانی و شخصیتی یا بیماریهای جسمانی واگیردار و صعب‌العلاج به تشخیص پزشکی قانونی و زندانی شدن ایشان، ارتکاب جرایمی مانند اعتیاد به مواد مخدر، مشروبات الکلی، داروهای روانگردان، قمار، فساد اخلاقی و قوادی و اعمال خشونت نسبت به طفل یا دیگر اعضای خانواده از سوی والدین، عدم ثبت واقعه ولادت یا اخذ شناسنامه و بهره‌کشی و سوء رفتار نسبت به طفل می‌باشد. در این خصوص توجه به نکات ذیل ضروری است:

۵-۱-۱. در خصوص «عدم توانایی یا بی‌توجهی نسبت به کودکان و نوجوانان از جانب والدین و سایر سرپرستان قانونی یا بی‌توجهی و سهل‌انگاری ایشان نسبت به تأمین نیازهای ضروری و حیاتی کودک و نوجوان یا محرومیت از تحصیل و فراهم نشدن امکانات آن» به نظر می‌رسد در کنار هم قرار دادن «ناتوانی» و «بی‌توجهی» صحیح نباشد، بدین توضیح که بعضاً ناتوانی می‌تواند ناشی از فقر اقتصادی خانواده، بیکاری فرد متکفل خانواده یا بیماری باشد که از طریق حمایت‌های مالی یا درمانی و دخالت نهادهایی چون کمیته امداد امام خمینی (ره) و... قابل رفع خواهد بود. حال آنکه بی‌توجهی و سهل‌انگاری به واقع گونه‌هایی از تقصیر را در بر می‌گیرد و ناشی از بی‌کفایتی در نگهداری طفل است. لذا با عنایت به راهکارهای عملی ناظر بر حل این دو معضل، قرار دادن آنها در کنار هم منطقی نیست.

۵-۱-۲. ابتلای هریک از والدین یا سرپرستان قانونی به اختلالات رفتاری و روانی و شخصیتی یا بیماریهای جسمانی واگیردار و صعب‌العلاج به تشخیص پزشکی قانونی و زندانی شدن ایشان از دیگر موارد وضعیت مخاطره‌آمیز طفل است. ضمن تأکید بر درستی پیش‌بینی این فروض به عنوان وضعیت مخاطره‌آمیز، ظاهراً زندانی شدن اعم از حبس جزایی و حبس به علت ناتوانی از پرداخت دیون است. به نظر می‌رسد باید بین حالتی که فرد به علت ارتکاب جرم به حبس محکوم می‌گردد با زمانی که بر اثر عدم استطاعت مالی و ناتوانایی از پرداخت دیون بازداشت می‌شود تفاوت قایل شد چرا که اولی ناظر بر رفتار ناهنجار سرپرست طفل است و دومی از طریق راهکارهای مندرج در بند الف در خصوص ناتوانی سرپرستان طفل، قابل رفع خواهد بود.

۵-۱-۳. ارتکاب جرایمی مانند اعتیاد به مواد مخدر، مشروبات الکلی، داروهای روان‌گردان، قمار، فساد اخلاقی، قوادی و اعمال خشونت نسبت به طفل یا دیگر اعضای خانواده از سوی والدین از مصادیق وضعیت مخاطره‌آمیز ذکر شده است. در خصوص ارتکاب سایر

جرایم مندرج در قانون مجازات اسلامی توسط والدین یا سرپرستان طفل، این بند قابل استناد نیست و به نظر می رسد با زندانی شدن والدین یا ناتوانی از نگهداری طفل، منطبق باشد.

۲-۵. اعمال ارتكابی طفل که وی را در معرض خطر قرار می دهد شامل اعتیاد طفل به مواد مخدر و روان گردان، مشروبات الکلی و ارتكاب جرایم تکدی گری و قاچاق توسط وی، همچنین ترک خانه، فرار از مدرسه، ترک تحصیل و... می شود. توجه مقنن در تعیین این جرایم معطوف به وصف اعتیادی آنها است، هرچند با توجه به قید بزهکاری در بند ۱۰، بندهای ۸ و ۹ نیز مورد التفات بوده اند.

۱-۲-۵. بند ۱۰ به درستی برخی انحرافات همچون ترک خانواده، فرار از مدرسه، ترک تحصیل و... را نیز به عنوان شرایط مخاطره آمیز قرار داده که البته با بزهکاری همخوانی ندارد. چرا که بزهکاری جرم و مصادیق صدر ماده انحرافند. بهتر بود نویسندگان لایحه در جهت همخوانی مندرجات هر بند، بزهکاری را به عنوان یکی از مصادیق مخاطره آمیز در بندی جداگانه ذکر می نمودند تا مورد التفات کامل واقع گردد. شایان ذکر است مطابق فصل سوم در ماده ۵۱ اطفال بزهکار نیز در صورت بزه دیدگی مشمول این قانون هستند.

۲-۲-۵. تبصره این ماده برخی از کودکان و نوجوانان مانند اطفال بی سرپرست، ناشی از روابط نامشروع، قربانی قاچاق انسان و... را نیز مشمول این قانون نموده که البته با توجه به ماده ۱ که به شمول این قانون بر کلیه افراد بزه دیده و در معرض خطر زیر ۱۸ سال تصریح کرده و این اطفال نیز به لحاظ ویژگی های خود یا خانواده شان مشمول بندهای مندرج در ماده ۳ می باشند، درج این تبصره خالی از اشکال نیست. البته باید توجه داشت که با توجه به قانون جامع حمایت از معلولان، اجرای این پیش نویس نباید منجر به اقدامات موازی گردد.

ب) تشکیلات

فصل دوم پیش نویس، تشکیلات لازم برای حمایت از کودکان و نوجوانان را تعیین نموده است و شامل تشکیل دفتر حمایت از کودکان و نوجوانان تحت نظر رئیس قوه قضاییه جهت تدوین دستورالعمل های مرتبط با این قانون، تعیین اولویتها، راهبردها، برنامه ها و ایجاد زمینه های همکاری با سایر نهادها، تهیه و تنظیم طرح های اساسی جهت تحقق اهداف این قانون، تهیه گزارشهای موردی یا ادواری، انجام مطالعات و تحقیقات آماری و

اطلاعاتی و ارزیابی فعالیتهای دفاتر استانی و شهرستانی در خصوص اجرای این قانون است.

۱. معرفی کودکان و نوجوانان در معرض خطر و بزه‌دیده به نهادهای ذیربط، مداخله فوری در جهت پیشگیری از بزه‌دیدگی یا آسیب بیشتر ایشان، ارائه خدمات و معاضدت حقوقی و مددکاری، تشکیل پرونده وضعیت فردی و اجتماعی طفل، ارائه گزارش و درخواست اتخاذ تصمیم در مراجع قضایی، نظارت بر اجرای آراء و تصمیمات مشمولین این قانون و در نهایت برقراری ارتباط و تعامل و همکاری با سایر واحدهای حمایت، نهادها و سازمانهای دولتی و غیر دولتی در تشکیلات مربوط به حوزه های قضایی استان و شهرستان پیگیری می شود.

۲. پیش بینی وظایفی برای وزارتخانه های آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، کار و امور اجتماعی و نیز شهرداری و دهیاری ها در خصوص شناسایی و معرفی افراد مشمول این قانون به سازمانهای ذیربط از دیگر مندرجات این فصل می باشد.

۳. سازمان بهزیستی مکلف به مشارکت با کلیه نهادهای دولتی و غیر دولتی مرتبط گردیده است تا نسبت به شناسایی، جذب، پذیرش، جمع آوری، ثبت آمار و اطلاعات، تشخیص آسیب، نگهداری و توانمند سازی و... کودکان و نوجوانان موضوع این قانون اقدام نماید. بی شک در این راستا گسترش سطح همکاری این سازمان با نهادهای غیردولتی ضروری است.

۴. تبیین وظایف وزارت کشور، سازمان ثبت احوال، نیروی انتظامی و سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی حسب وظایف و اختیارات قانونی ایشان، از دیگر مندرجات این فصل است.

۵. در انتهای فصل نیز تأکید گردیده اقدامات واحدهای حمایت، وکلا، مشاورین، مددکاران اجتماعی و نهادهای مرتبط با کودکان و نوجوانان موضوع این قانون جز در مواردی که کودک در معرض خطر شدید یا قریب الوقوع است، نباید منجر به افشای اسرار کودک و نوجوان شود. وجود این ماده با توجه به ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی که جز در موارد قانونی افرادی را که به اقتضای شغل خود با اسرار زندگی مردم در ارتباطند از افشای اسرار شغلی منع نموده، توجیهی ندارد.

ج) تحقیق، رسیدگی و تدابیر حمایتی

۱. تحقیق

ماده ۱۷ پیش‌نویس، رییس قوه قضاییه را مجاز به اختصاص شعبی از دادرسی‌ها، دادگاههای کیفری و خانواده برای بررسی پرونده‌های موضوع این قانون نموده است. با عنایت به بند الف ماده ۱ قانون وظایف و اختیارات رییس قوه قضاییه مصوب ۱۳۷۸، ماده ۴ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ و ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ که امکان اختصاص شعبی از دادگاهها را برای رسیدگی به برخی جرایم پیش‌بینی نموده و اختصاصی بودن این شعب را مانع از ارجاع سایر پرونده ندانسته است، لذا ماده ۱۷ ضرورتی ندارد.

۲. جهات شروع به تعقیب

ماده ۱۸ در خصوص جهات شروع به تعقیب یا اتخاذ تدابیر حمایتی به تکرار همان موارد مندرج در مواد ۲۱ و ۶۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری یعنی شکایت شاکی یا تقاضای کودک و نوجوان، اعلام و اخبار قضات و ضابطین دادگستری، اظهار و اقرار متهم، اعلام اشخاص حقیقی و حقوقی (چنانچه توأم با قراین معقول و متعارف باشد) و مشهود بودن جرم علیه کودک و نوجوان بسنده نموده که با توجه به وجود نص قانونی، ذکر آنها در ماده ۱۸ ضرورتی ندارد.

لکن این ماده جهات قانونی اتخاذ تدابیر حمایتی را نیز ذکر نموده است که توجه نویسندگان محترم به بحث پیشگیری از ارتکاب جرم یا جلوگیری از تکرار یا تشدید نتایج حاصل از آن را می‌رساند.

ایراد وارد بر تبصره ماده ۱۸ این است که حق شرکت در جلسات دادرسی و اعتراض به آراء و تصمیمات را علاوه بر اولیا، والدین و سرپرستان قانونی حسب مورد برای اشخاص و نهادهای اعلام‌کننده جرم نیز قائل شده است که این امر صرف‌نظر از عدم امکان اجرای عملی، با توجه به سمت نداشتن چنین افرادی در دعوا، مخالف با قواعد آیین دادرسی است. با توجه به ماده ۱۹ که جرایم موضوع این قانون را غیر قابل گذشت و دارای جنبه عمومی دانسته علاوه بر اولیا قانونی طفل که حق اعتراض به آرا را دارند، دادستان نیز حق ورود به دعوا را داشته و در نتیجه حضور سایرین توجیهی ندارد.

ماده ۲۰ پیش نویس، تکرار مواد ۶۶ و ۶۷ آیین دادرسی کیفری است که بر اساس آن گزارشها و درخواستهای مکتوب یا شفاهی یا نامه هایی که نویسندگان آنها مشخص نیست در صورتی که دارای قراین متعارف باشد، قابل تعقیب است. با توجه به تکرار اغلب این مواد در قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری حذف این مواد پیشنهاد می شود که البته مستلزم اصلاح عنوان این فصل نیز هست. البته این حذف باید به گونه ای صورت گیرد که خللی به اقدامات حمایتی مندرج در این فصل وارد نسازد.

۳. تدابیر حمایتی

در مواد ۲۱ تا ۲۵، پروسه مداخله ضابطین به عنوان تدابیر حمایتی پس از تحقق وضعیت مخاطره آمیز طفل، ذکر شده است که بر این اساس:

۱-۳. ضابطین که باید دارای آموزش خاص در زمینه حقوق اطفال باشند، مکلف هستند به دعوت از والدین، اولیا، سرپرستان قانونی یا سایر اشخاص مرتبط با کودک و نوجوان و در صورت لزوم خود طفل و مراجعه به محل سکونت، اشتغال و تحصیل وی با همراهی مددکار اجتماعی و عنداللزوم تدابیر لازم در جهت پیشگیری از وقوع جرم را اتخاذ نموده، نتیجه اقدامات را به اطلاع دادستان می رسانند.

شایان ذکر است که حتی الامکان باید از مواجهه پلیس قضایی و ضابطین دادگستری با طفل اجتناب گردد و در راستای اهداف این قانون به تربیت ضابطینی مبادرت گردد که دارای صبغه مددکاری اجتماعی به همراه آموزشهای لازم برای اجرای وظایف ضابطین دادگستری باشند.

۲-۳. در صورت وجود خطر شدید و قریب الوقوع علیه طفل، امکان نگهداری وی در مراکز مربوطه از قبیل نهادهای دولتی مسئول نگهداری طفل و نوجوان، واحدهای شبانه روزی، مراکز مداخله در بحران و مراکز بازپروری و توانبخشی سازمان بهزیستی خواهد بود. البته تأکید بر دولتی بودن این مراکز توجیهی ندارد. به هر رو گزارش این اقدامات نیز ظرف ۲۴ ساعت به اطلاع دادستان خواهد رسید.

۳-۳. ضابطین در جهت انجام تحقیقات، حق ورود به محل زندگی یا کار افراد را منحصرأ در حدود مقررات آیین دادرسی کیفری دارند.

۴-۳. امکان صدور دستور موقت خروج طفل از محل خطر در موارد بزه‌دیدگی یا خطر شدید نسبت به وی به دستور دادستان وجود دارد.

همچنین دادستان مکلف است علاوه بر صدور کیفرخواست، گزارشی از وضعیت طفل به دادگاه ارائه نماید تا به سلب صلاحیت حضانت، قیمومت، ولایت، سرپرستی، عزل ولی قهری، ممنوعیت ملاقات، سپردن موقت و دائم طفل به خانواده جایگزین یا مؤسسات اجتماعی و سازمان بهزیستی اقدام شود. حتی مختومه شدن پرونده در مرحله دادسرا مانع از اجرای وظایف مندرج در ماده ۲۶ نیست.

شایان ذکر است در خصوص سپردن طفل به خانواده جایگزین توجه به قانون حمایت از کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۵۲ و قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۷۱ الزامی است. باید توجه نمود که با توجه به سیستم قانونی ایران، خانواده جایگزین و نهاد فرزندخواندگی پذیرفته نشده و صرفاً در قالب واگذاری سرپرستی طفل موضوع قابل بررسی است. بدیهی است ایجاد هماهنگی در مندرجات این پیش نویس با لایحه حمایت از کودکان بی سرپرست اجتناب ناپذیر است.

۳-۵. عدم احضار طفل در معرض خطر در مرحله دادسرا یا دادرسی، حمایت از طفل بزه‌دیده یا شاهد در مقابل آسیب‌های وارده بر او، تحقیق از طریق مددکار و روانشناس، تأکید بر عدم اطاله دادرسی، تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان از دیگر قواعد پیش بینی شده در این پیش نویس است.

۳-۶. مطابق ماده ۳۹، مبدأ مرور زمان جرایم اطفال پس از رسیدن ایشان به سن ۱۸ سال است. این ماده با ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری و نظرات شورای نگهبان که تنها مرور زمان را به جرایم بازدارنده منحصر نموده، قابل جمع نیست.

۳-۷. ماده ۴۰ سایر ترتیبات رسیدگی به جرایم موضوع این قانون را مطابق مقررات عمومی دانسته که با توجه به آنچه پیش از این ذکر شد بسیاری از این مقررات سابقه تقنینی دارد لذا بهتر است ضمن ذکر این ماده در ابتدای فصل، عنوان گردد جز آنچه در حمایت از اطفال و نوجوانان در این قانون ذکر می‌شود سایر امور مطابق قوانین جاری خواهد بود. شایان ذکر است با توجه به بررسی پیش نویس آیین دادرسی کیفری در مجلس شورای اسلامی ایجاد هماهنگی و اجتناب از همپوشانی مواد این دو با یکدیگر الزامی است. برای نمونه می‌توان به قرار تعلیق تعقیب اشاره نمود که در ماده ۴۲ همان آثار و شرایط مندرج در لایحه آیین دادرسی کیفری را دارد.

۳-۸. ماده ۵۲ اشخاصی را که به مناسبت شغل خود در تماس با اطفال در معرض خطر یا بزه‌دیده هستند، به رعایت برخی از نکات از جمله «توجه به موقعیت شخصی، نیازهای سن، جنس و ناتوانی، میزان رشد، نیازهای جسمی، فکری و اخلاقی آنها، کمترین میزان مداخله

در زندگی خصوصی مطابق با بالاترین استانداردهای لازم برای جمع‌آوری ادله، تحقیق از طفل در محیطی مناسب با نیازهای خاص کودک و توانایی، سن و بلوغ فکری و...، تحقیق به زبان قابل فهم توسط طفل و در نهایت حساسیت نسبت به سن، فهم، جنسیت، پیش زمینه‌های قومی، فرهنگی، مذهبی، زبانی و... طفل... مکلف نموده است.

بازی با الفاظ مندرج در بندهای پنج گانه این ماده نمی‌تواند هدف نویسندگان این پیش‌نویس را از به کارگیری تدابیر حمایتی برآورده سازد بلکه برای رسیدن به این هدف باید تمامی استانداردها و ضوابطی که برای حمایت از طفل مورد نیاز است به طور روشن و دقیق تعیین گردد و در جهت تضمین اجرای آن نیز ضمانت اجرای لازم و بازدارنده پیش‌بینی شود.

د) اعمال مجرمانه

۱. جرایم و مجازات‌ها

فصل چهارم پیش‌نویس، ضمن احصای اعمال مجرمانه علیه اطفال، مجازات هریک را تعیین نموده که وفق ماده ۸۴ پیش‌نویس علاوه بر دیه و جبران خسارت مورد حکم قرار می‌گیرد. جرایم مندرج در این قانون که بعضاً دارای سابقه تقنینی در قانون مجازات اسلامی یا قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ است به شرح ذیل است:

۱-۱. قتل عمدی طفل مطابق ماده ۵۵ مستوجب قصاص بوده و در صورتی که به هر علتی منجر به قصاص نگردد مرتکب تعزیر می‌گردد. به نظر می‌رسد علت این استثنا را بتوان در ماده ۲۲۰ یعنی قتل طفل توسط پدر یافت، حال آنکه موقعیت فرزند به دلیل شرایط خاص وی نسبت به پدر نابرابر و آسیب‌پذیر است.

۲-۱. جنایات عمدی دون قتل که مطابق ماده ۵۴ پیش‌نویس، این جرایم ایراد صدمات بدنی عمدی غیر از قتل را در بر می‌گیرد و با عنایت به نتیجه حاصل از آن دارای مجازات تعزیری متغیر است و به کار بردن سلاح سرد، گرم، سم و... موجب تشدید مجازات مرتکب می‌گردد.

۳-۱. جنایات غیرعمدی ناشی از بی‌توجهی و سهل‌انگاری نسبت به طفل اعم از قتل یا صدمات وارد بر جسم طفل است که مطابق ماده ۵۶ مرتکب تعزیر می‌گردد. البته مناسب است به جای سهل‌انگاری از عنوان تقصیر جزایی استفاده شود تا تمامی اقسام چهاگانه تقصیر جزایی (بی‌مبالاتی، بی‌احتیاطی، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی) را در بر بگیرد.

۴-۱. جلوگیری از ادامه تحصیل طفل عنوان مجرمانه دیگری است که پیش از این در ماده ۴ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۴ سابقه تقنینی داشت و طی آن مادر یا پدر یا سرپرست قانونی که با وجود استطاعت مالی از تحصیل طفل زیر ۱۸ سال جلوگیری می کرد، برای بار اول به جزای نقدی ۱۰ هزار ریال تا ۲۰۰ هزار ریال و الزام به ادامه تحصیل و در بار دوم به حبس جنحه ای از ۱ تا ۳ سال محکوم می شد. بازنگری در مجازات مرتکب این جرم و تبدیل آن به جزای نقدی از ۱۰ میلیون تا ۵۰ میلیون ریال در بار اول نکته مثبتی است اما با دقت در این ماده به عدم ذکر ضابطه استطاعت مالی برای اجرای این وظیفه بر می خوریم که نشان از خروج والدین ناتوان از این ماده ندارد و تفاوتی میان افراد ناقض قانون با افراد ناتوان از اجرای قانون قائل نشده است.

۵-۱. عدم اعلام واقعه ولادت و صدور گواهی خلاف واقع که منجر به تغییر هویت واقعی طفل شود مطابق ماده ۵۸ قابل مجازات است.

۶-۱. مواد ۵۹ تا ۶۱ به جرم انگاری جرایم مرتبط با امور فحشا پرداخته و عرضه، در اختیار قرار دادن، وادار و اجیر کردن طفل برای فحشا، ترغیب یا تشویق طفل به فحشا یا فراهم نمودن موجبات آن، قوادی و تهیه و تکثیر و فراهم نمودن مضامین هرزه نگاری را نام برده است. از جمله مسائل قابل توجه در این جرایم تعیین حد قوادی علاوه بر مجازات مندرج در این ماده، در مواردی است که ترغیب یا تشویق طفل به فحشا یا فراهم نمودن موجبات آن مستلزم عنوان این حد باشد، که با عنایت به منع مجازات مضاعف و ضرورت اعمال یک مجازات در برابر ارتکاب یک جرم، این شیوه قانون نویسی صحیح نیست و باید به این نحو اصلاح گردد که در صورت مصداق یافتن عنوان قوادی، حد مذکور جاری و در غیر این صورت مرتکب برابر ماده ۶۰ تعزیر می شود.

شایان ذکر است پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در خصوص فروش، فحشاء و هرزه نگاری کودکان، بر ضرورت پیش بینی جرم عرضه، ابتیاع، تحصیل یا تدارک کودک به منظور فحشاء کودک و تولید، توزیع، انتشار، ورود، صدور، عرضه، فروش یا مالکیت هرزه نگاری کودک برای مقاصد فوق در مجموعه قوانین کیفری تأکید نموده است.

۷-۱. خرید، فروش و معامله طفل طبق ماده ۶۴ قابل مجازات و در صورت اثبات قصد مرتکب مبنی بر استفاده از وی در زمینه فحشا با تشدید مجازات همراه است. پروتکل اختیاری کنوانسیون، عرضه، تحویل یا پذیرش کودک به هر وسیله به منظور استثمار جنسی کودک را جرم انگاری نموده است.

۸-۱ انتقال و خرید و فروش اعضا و جوارح اطفال برابر ماده ۶۵ جرم بوده و تنها استثنا آن قانون پیوند اعضای بیماران فوت شده یا بیمارانی است که مرگ مغزی ایشان مسلم است، که در این خصوص تجدیدنظر در ماده با عنایت به اعلام مغایرت شرعی این قانون طبق نامه شماره ۷/۹۲۱/۷۶۶ مورخ ۱۳۷۹/۶/۶ شورای نگهبان، ضروری است. انتقال اندام کودک برای کسب سود نیز در پروتکل فوق الذکر پیش بینی شده است.

۹-۱. بهره کشی از کودک و نوجوان برابر ماده ۶۶ جرم است که مطابق تعریف بهره کشی از کودکان، دارای مفهومی اعم از تکدی گری (ماده ۷۱۳ قانون مجازات اسلامی) است و هر نوع به کارگیری متعارض با سلامت جسمی و روانی طفل را در بر می گیرد.

۱۰-۱. معاونت در ارتکاب جرایم توسط اطفال، در ماده ۶۷ جرم انگاری شده که بر اساس آن در جرایم تعزیری یا بازدارنده معاون به عنوان مرتکب اصلی مجازات شده و در جرایم حدی به یک تا پنج سال حبس و در جرایم مستوجب قطع عضو، حبس ابد یا سلب حیات به پنج تا پانزده سال حبس محکوم می شود.

۱۱-۱. معاونت در خودکشی طفل با توجه به نتیجه حاصله مطابق ماده ۶۸ قابل مجازات است.

۱۲-۱. تحریک طفل به فرار از مدرسه، ترک خانواده و... یعنی تحریک وی به انحراف طبق ماده ۶۹ قابل تعقیب است.

۱۳-۱. معاونت در استعمال مواد مخدر، روانگردان و سکرآور توسط طفل مطابق ماده ۷۰ جرم انگاری شده که مبین توجه ویژه نویسندگان پیش نویس به جرایم اعتیادی است.

۱۴-۱. طبق ماده ۷۱ ارتکاب اعمال منافی عفت با طفل موجب حبس علاوه بر حد می گردد که همان اشکال مندرج در بند ششم در خصوص اعمال دو مجازات در قبال ارتکاب یک جرم بر آن وارد است.

۱۵-۱. همچنین ازدواج با طفل برخلاف قواعد ماده ۱۰۴۱ و ۱۰۴۳ جرم بوده و علاوه بر زوج یا حسب مورد زوجه؛ خواستگار، عاقد، والدین، اولیا و سرپرستان قانونی طفل نیز قابل مجازاتند. در این خصوص به نظر می رسد با توجه به آنکه خواستگاری ایجاد علقه زوجیت نمی نماید، لذا این ماده در این خصوص نیازمند اصلاح است.

۱۶-۱. در ماده ۷۳ یکی از مصادیق ترک فعل، یعنی خودداری از دفاع از طفل در معرض خطر یا امتناع از اطلاع مأموران از وضعیت طفل مذکور، جرم انگاری گردیده که البته این امر منوط به رعایت ضابطه نبود خطر جانی برای مدافع است.

النهاییه به نظر می‌رسد با توجه به تعریف سوء رفتار در ماده ۲ این پیش نویس، ماده ۵۳ که هر نوع سوء رفتار را که شامل هر جرم دیگری علیه طفل می‌شود جرم انگاری نموده در پایان این فصل ذکر شود تا کلیه رفتارهای ناقض حقوق کودک مشمول این عناوین جزایی قرار گیرد.

لازم است ذکر شود در صورتی که اطفال بزهکار جرایمی را تحت تأثیر ترغیب، تطمیع، تشویق و فریب سایرین انجام دهند، مطابق ماده ۸۲ به نصف مجازات قانونی محکوم می‌گردند.

۲. کیفیات مشدده مجازات

شایان ذکر است در صورت ارتکاب این جرایم توسط افراد دارای سمت قیمومت، وصایت و سرپرستی طفل، همچنین در صورتی که مجنی علیه دارای سن زیر ۱۲ سال یا دارای ناتوانی ذهنی و جسمی باشد، در صورت ارتکاب جرم به صورت شبکه‌ای با بیش از سه عضو و همچنین ارتکاب جرم از جانب کارکنان دولت مرتکب به اشد مجازات محکوم شده و در مورد اخیر حکم به انفصال وی از خدمات دولتی نیز صادر می‌گردد. یکی از ایرادات این پیش نویس ماده ۸۱ است که مقرر نموده در صورتی که در سایر قوانین مجازات شدیدتری برای این جرایم پیش بینی شده بود آن مجازات اعمال گردد که این امر علاوه بر پراکندگی قوانین حمایتی اطفال، موجبات سردرگمی قضات را در تعیین مجازات به دنبال دارد.

۳. مجازات اشخاص حقوقی

در صورت ارتکاب جرم توسط اشخاص حقوقی، مدیرعامل به مجازات مندرج در این قانون محکوم و شرکت تعطیل خواهد شد یا حکم به ابطال دائم یا موقت پروانه شخص حقوقی صادر می‌شود. شایان ذکر است واژه ابطال در خصوص توقف فعالیت های شرکت صحیح نیست و بهتر است از اصطلاح تعطیلی موقت یا تعلیق پروانه شخص حقوقی استفاده شود.

۴. قوانین منسوخه

قوانین لغو شده به موجب ماده ۸۶ شامل قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ و قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۴ می‌-

شود. با عنایت به جنبه حمایتی این قانون به نظر می رسد ضروری است در خصوص نسخ یا عدم نسخ برخی از مواد قانون مجازات اسلامی از جمله ماده ۵۹۶ در خصوص سوء استفاده از ضعف نفس محجورین، ماده ۶۲۱ در خصوص آدم ربایی، ماده ۶۳۱ در خصوص دزدی و مخفی کردن طفل تازه متولد شده یا سپردن وی به فردی غیر از مادر، ماده ۶۳۲ در خصوص امتناع از سپردن طفل، ماده ۶۳۳ در خصوص رها کردن طفل در محیط خالی از سکنه، ماده ۶۳۹ در خصوص استفاده از طفل در فساد و فحشا، ماده ۶۴۰ در خصوص تهیه گراور و نقاشی و.. از طفل، ماده ۶۴۲ در خصوص ترک انفاق، ماده ۶۴۶ در خصوص ازدواج قبل از بلوغ و در نهایت ماده ۷۱۳ در خصوص استفاده از طفل در تکدی‌گری و... اظهار نظر صریح در همین ماده صورت گیرد.

نتیجه

حمایت از بزه‌دیده ابعاد مختلفی دارد که از جمله آن می توان به حمایت از بزه‌دیده بلافاصله پس از تحقق جرم از طریق مراقبتهای پزشکی و روانی، حمایت از بزه‌دیده در مرحله دادرسی از طریق تفهیم حقوق قانونی وی و ایجاد تسهیلات لازم در زمینه اقامه دعوی و لحاظ جایگاه واقعی بزه‌دیده در مرحله دادرسی و تأمین ضرر و زیان وی از طریق منابع دولتی، خیریه یا بیمه اشاره نمود.^۳

این پیش‌نویس در خصوص حمایت از اطفال و نوجوانان بزه‌دیده و در معرض خطر، ضمن اعطای فرصت به والدین این اطفال برای فراهم نمودن شرایط مناسب در محیط خانواده و رفع مشکلات موجود تلاش می نماید تا حد امکان طفل از خانواده جدا نشود و در صورت عدم امکان ادامه زندگی در کنار خانواده، مقام قضایی اقدام به سلب حق حضانت، ولایت، سرپرستی و قیمومت می نماید.

مع ذلک رفع برخی ایرادات در خصوص نحوه اتخاذ تدابیر حمایتی، تعیین جرایم، تشکیل سازمان مجری این مقررات، ایجاد تشکیلات سازمان یافته در سازمان‌های ذی‌ربط برای حمایت از کودکان و نوجوانان و تعیین وظایف مددکاران اجتماعی در رابطه با اطفال و نوجوانان موضوع این قانون و تکرار مجدد پاره‌ای مقررات مندرج در سایر قوانین که در طول این نوشتار به برخی از آنها اشاره گردید، ضروری است. امید است با لحاظ انتقادات

۳. برای مطالعه بیشتر در این خصوص به مقاله "سیاست جنایی حمایت از بزه‌دیدگان" نوشته دکتر عبدالعلی توجهی در مجله مجتمعات آموزش عالی قم، شماره چهارم، سال اول، زمستان ۱۳۷۸ مراجعه شود.

وارد بر این پیش نویس، هر چه زودتر شاهد تصویب قانون جامعی در خصوص حمایت از اطفال و نوجوانان باشیم.

